

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی - حمد مقدّس از ذکر اهل...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلی - جلد ۳ (۱۶۳ بدیع)، لوح رقم (۲۴۷)، صفحه ۴۸۶ -

۴۷۵

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

حمد مقدّس از ذکر اهل انشاء و ملکوت اسماء ساحت امنع اقدس حضرت مقصودی را لایق و سزااست که در بحبوحه
بأسا و ضراً قلم اعلی متحرّک و ندا مرتفع و اراده متوجّه و لسان عظمت در ملکوت بیان ناطق. جلّت عظمت و علت
سلطنته و اشرقت آیاته و ظهرت بیناته احاطت آثاره و لاحت انواره. طوبی لمن انقطع عن العالم متمسکاً بالاسم الاعظم
الذی به ناه الامم الا من شاء الله مالک القدم وویل للذین غفلوا واعرضوا واعترضوا الى ان قاموا علی تضييع الامر و قالوا
مثل ما قاله الفرعون انا ربکم الاعلی. سبحانک یا من فی قبضتک زمام الامور اسألك بظهورک و بروزک و قدرتک و
اقتدارک بان تعرف الذین ضلّوا و اضلّوا عبادک و قدر لهم ما یقودهم الی شاطئ بحر بیانک لئلاّ يتجاوزوا عن حدودهم و
مقاماتهم و شئونهم. ای ربّ انت تعلم ما فی انفسهم لو تشاء طهرهم عن رجس اقوالهم و ما نطقت به السنتهم. یا الهی و
سیدی تری غفلتهم و اعراضهم و اعتراضهم و تسمع ما یتکلمون باهوائهم. قد منعتم اقوالهم عن الاقبال الیک و اعمالهم عن
التوجه الی انوار وجهک. ای ربّ ایدهم علی الرجوع الیک. انک انت التوّاب الغفار العزیز الکریم. ای ربّ هذه ايام
فیها ماج بحر عنایتک و هاج عرف فضلک اسألك بان تکتب لافنانک من قلبک الاعلی ما ینبغی لجودک و الطافک.
انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت القوىّ الغالب المقتدر القدير.

روحي نخدمتکم الفداء و لقیامکم الفداء دو دستخط آن حضرت که اوّل بتاریخ ۲۹ ربیع الثانی مزین و ثانی ۱۹ جمادی
الاولی عالم بعد و فراق را بنور وصال منور نمود چه که نامه بمثابه مرآتست حاکی از مرسل. مخصوص اگر مزین باشد بذکر
محبوب عالم، او مطلع حیات است از برای بنی آدم. این خادم فانی از حق جلّ اجلاله می طلبد که نعمت وصال و لقا را
مبذول فرماید و عنایت نماید چه که این نعمتی است اسبغ و اسبق از نعمتهای عالم و مائده های منزله. جمیع کتب
الهی مبشّر این مقام طوبی للفائزین. این مقام در حضور و غیاب هر دو حاصل می شود چه که فضل محیط است و رحمت
مسبق. چه بسیار از عباد که تلقاء وجه فائز شدند و قلم اعلی تصدیق نفرمود و امضاء نمود و چه مقدار که بر حسب ظاهر
فائز نشدند و قلم اعلی گواهی داد بر توجّه و اقبال و حضور و اصغاء و لقاء و وصال جلّت عنایت و عظمت الطافه. و بعضی
بهر دو فائز هدامن فضل لایعاده شئی فی العالم قد شهد بذلک مالک القدم و مولی الامم.



ORIGINAL

بعد از قرائت دستخط آن حضرت و اطلاع، قصد ذروه علیا نموده بعد از درک حضور و اذن تمام آن تلقاء عرش عرض شد. هذا ما نطق به لسان العظمة قوله تبارک و تعالی هو السّامع المجیب یا ایّها المقبل الی افقی والمذکور فی ساحتی والمسطور فی کتابی من قلم ارادتی والطائر فی هواء حیّ ان استمع ندائی و شهادتی أنّه لا اله الاّ هو لم یزل کان مقدساً عمّا نطقت به السن الکائنات و منزهاً عن کلّ ماتفوّهت به الممکنات أنّه لهوالذی مامنعته حوادث الاّیام و ماجبته اشارات الانام قد اتی بجنود الوحی و الالهام و اظهر ما کان مکنوناً فی ککائز علیه و مخزوناً فی خزائن قدرته. اذاً قام العباد و من فی البلاد علی الاعراض و الاعتراض علی شأن انکروا کتب الله و صحفه و ما نزل من قبل علی انبیائه و رسله. قل یا اهل الارض انصفوا بالله ان تنکروا هذا الامر الاعظم و هذا البناء العظیم باّی برهان یتبّث ما عندکم هل تنکرون الذی به نصبت رایة التوحید علی قلب العالم و علم الذکر بین الامم اتقوا الله ولا تكونوا من الجاهلین. اخ م عليك بهائی و عنایتی امر بسیار عظیم و عباد بسیار غافل لم یزل از قلم اعلی عظمت این امر جاری و نازل این است آن چیزی که لازال مستور بوده. انبیاء و مرسلین به تلویح و تصریح ذکر نموده اند و لقائش را از حق سائل و آمل. طوبی از برای نفوسی که این یوم مبارک را ادراک نمودند و از فیوضات آن کنز عرفان که مشرق وحی و مطلع آیات است نصیب بردند. سبحان الله احزاب مختلفه کلّ بذکر حق مشغول و منتظر ظهور معذک محجوب و غافل الاّ من شاء الله. اولیای حق را از قبل این مظلوم تکبیر برسان بگو امروز عرف قیص رحمن متضوّع و رایحه منته از افئده مشرکه منتشر به جبل استقامت کبری تمسک نمائید و بذیل فضل تشبّث. اگر حکمت مقتضی بذکر و بیان نفوس غافله را بصراط مستقیم دعوت نمائید. طوبی از برای نفسی که بر خدمت امر قیام نماید و ضعفا را در مکر و حيله اشقیاء حفظ کند. از حق می طلبیم اولیائش را موفق فرماید بر استقامت بشأنی که عالم و عالمیان را معدوم شمرند و خود را فارغ و آزاد مشاهده نمایند. اگر حق جلّ جلاله آنچه را ستر نموده اقلّ از خردل کشف نماید کلّ از ما عندهم منقطع و بما عند الله تمسک نمایند. امروز روزی است که آنچه در قلوب مستور ظاهر و آشکار شود. ان اذکر ما انزله الرحمن فی الفرقان قوله تبارک و تعالی یا بنیّ انّها ان تک مثقال حبة من خردل فتکن فی صحفة او فی السموات او فی الارض یأت بها الله و این مقام عدل است که حق جلّ جلاله ذکر فرموده. بگو ای دوستان جهد نمائید که شاید فائز شوید به امری که عرف بقا از او استشمام گردد. امروز انسان می تواند صاحب دولت باقیه شود و همچنین خسارت دائمه. الامر بید الله یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو العزیز الحمید. انتهى

سبحان الله این خادم فانی بمثابه موله باهت مشاهده می شود. چه که آن حضرت و سایر آقایان مطلقند که در ایام شداد ایّامی که ظلمت ظلم جمیع بلاد را احاطه نموده بود در لیالی و ایّام در اعلاء کله و ارتفاع امر الله مشغول بشأنی که و الله الذی لا اله الاّ هو این فانی مجال نوم و یا اکل نمی یافت. از اول لیل لسان عظمت ناطق و این عبد در حضور به تحریر مشغول مائده سمائیّه بشأنی نازل که در بعضی از شبها فجر طالع و امر به احضار طعام نفرموده و همچنین در بعضی از ایام شب و روز لسان عظمت ناطق لاجل هدایت عباد تا آنکه در اطراف فی الجملة نوری ظاهر و در هر بلدی معدودی باسم حق جلّ جلاله بحیوة تازه بدیعه فائز. و بعد نعیق از هر طرف مرتفع و نهیق از هر بلد ظاهر این است شأن ناس غافل جاهل بهر ریخی متحرک و بهرحلی متمسک در هر حال از حق جلّ جلاله می طلبیم که اگر قابل رجوع هستند در حقشان عنایتی فرماید و از بحر فضل در این ایام محروم ننماید. انه علی کلّ شیء قدیر. جهل انسان را به مقامی می رساند که به هیچ وجه محلّ عنایت واقع نمی شود. سبحانک یا مقصود الامکان اسألك بحر علمک و سماء امرک بان تحفظنی من عصیان ینقطع به رجائی و یجعلنی محروماً عن نفحات آیاتک و بیناتک. ای ربّ اسألك بان ترحم هذا العبد المسکین الذی کانت یده الیمین مرتفعة الی سماء رحمتک والاخری متشبّثة بذیل جودک و غفرانک و عرف عبادک الذین غفلوا عن

ذکرک و ثنائک و عرفان مشرق و حیک و مطلع آیاتک و قاموعلی الاضلال احبائک الذین قصدوا المقصد الاقصی و الغایة القصوی. ای ربّ اسألك بنفسک والذین یطوفون عرشک بان تنصرهم بجنودالغیب والشّهادة. انک انت المهیمن المتعالی القدیر المقتدرالعلیم الحکیم.

ذکر جناب افشار علیه ۹۶۶ و منتسبین ایشان علیهم بهاءالله فرموده بودند الحمدلله هر یک به عنایت الهی فائز والواح بدیعه منیعه مخصوص ایشان نازل و ارسال شد. ان شاءالله ازبحورمعانی مستوره بیاشامند و به نفحات آیات فائز گردند. مراسله به این بنده ارسال داشته اند در ساحت امنع اقدس عرض شد و آنچه از سماء عنایت مخصوص ایشان نازل این عبد در جواب نامه ثبت نمود و ارسال داشت از حق جلّ جلاله می طلبم که ایشان و متعلّقان ایشان را بر امر ثابت و بر خدمت قائم فرماید. انّه علی کلّ شیء قدیر. حسب الامر الواح مرسله و مراسلات این عبد که به آیات بدیعه منیعه مزین است ملاحظه فرمایند و برسانند.

اینکه ذکر جناب حاجی علی و جناب آقا محمد رضا و جناب حاجی محمد علیهم بهاءالله و عنایتیه فرموده بودند لدی الوجه مذکور و هر یک به اشراقات انوار آفتاب عنایت فائز. این خادم فانی از حق تعالی شأنه سائل و آمل که اولیای خود را مطالع شمس استقامت فرماید و بمایرتفع به الامر مؤید نماید.

و اینکه ذکر جناب آقا محمد علیهم بهاءالله و عنایتیه را مرقوم داشتند در ساحت امنع اقدس اعلی عرض شد و یک لوح مناجات مخصوص ایشان از سماء عنایت محبوب امکان نازل و ارسال گشت. این خادم فانی تکبیر و ثنا خدمت ایشان می رساند و عرض می نماید امروز روزیست که عظمتش بمثابه آفتاب واضح و ظاهر است. جمعی در قرون و اعصار ناس را در ظنون و اوهام پرورده اند و بشأنی سکر غفلت ایشان را اخذ نمود که بعد از ظهور و اعلاء کلمه و اشراقات آیات و ظهورات بینات بشعور نیامدند و از مطلع ایقان بغایت بعید و محروم مشاهده شدند. حال باید جناب مذکور به عنایت حق بر خدمت امر قیام نمایند و ناس غافل را از هیماء نادانی به بحر آگاهی کشانند و از شمال ضلالت بپیمین هدایت راه نمایند. در هر حال باید همت نمود که مباد مجدداً اصنام اوهام بمیان آید. یسأل الخادم ربّه بان یؤید جنابه علی ذکره و ثنائیه و خدمه امره و یکتب له من قلمه الاعلی خیر الآخرة و الاولى انّه هو المقتدر القدیر.

و اینکه ذکر جناب آقا محمد علی از اهل ب ه فرموده بودند و ذکر اراده ایشان در ادای حقوق. چند شهر قبل به این عبد هم در این فقره نوشته بودند در ساحت امنع اقدس عرض شد. جوانی از مصدر امر ظاهر نه تا در این ایام این کلمه علیا از مالک اسماء اشراق نمود. قوله جلّ جلاله یا عبد حاضر بنویس به افغان علیه بهائی اگر شخص مذکور فی الحقیقه اراده ادای حقوق الهی نموده به نفوس مذکوره برسانند. و همچنین اذن خواسته بودند بساحت اقدس توجه نمایند. شمس اذن مشرق از حق جلّ جلاله می طلبم دوستان را از شر معرضین و منکرین و خادعین حفظ فرماید و صورت تقسیم هم ارسال شد اگر رسید آن حضرت برسانند. این عبد جواب نامه ایشان را ارسال داشت ان شاءالله برسد.

حضرت محبوب فؤاد جناب حاجی ح ی ع ل علیه بهاءالله الابهی چند لوح به جهت اهل ب ه و قریه قرب آن خواسته بودند و مکرر نوشته اند. در این ایام الواح بدیعه منیعه از سماء مشیت رحمانی نازل و ارسال شد. به جناب آقا محمد علی برسد که برسانند و یا قسم دیگر که آن حضرت مصلحت دانند. در باب عشق آباد و توجه جناب استاد علی اکبر علیه بهاءالله به آن شطر مرقوم فرمودند. خود جناب استاد تفصیل امور را نوشته ارسال داشته اند و جوانی در این فقره از مصدر مشیت

نازل و ارسال شد عمل آن حضرت را امضاء فرمودند و بطراز قبول فائز. محلی که مرجع مدن و قرای متعلقه به دولت روس واقع شود اخذ اراضی و تعمیر در آن بسیار خوب است. اما ذکر با والی در این ایام جایز نه حسب الامر چندی صمت اولی. جناب استاد بکار خود مشغول باشند اگر اسبابی فراهم آمد و ذکری به مقتضی به میان آید آنوقت کلمه گفته شود بآسی نیست حق جلّ جلاله آگاه و بیدار آنچه اراده فرماید اسبابش اقرب من آن ظاهر و هویدا شود. باید جمیع دوستان به حکمت ناظر باشند این حکم در الواح الهی مکرر نازل حتی از اقرار و اعتراف منع نموده اند. ان الامر بیده یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید لیس لاحدان یقول لم او بم. صد هزار طوبی از برای نفسی که به افاق امر الهی وحده ناظر باشد و به آنچه مأمور است عمل نماید اوست اهل توحید و اصحاب تجرید و صاحب نفس مطمئنه علیه بهاء الله و بهاء من فی ملکوت الامر و الخلق.

اینکه درباره محبوب روحانی جناب آقا میرزا اسدالله علیه بهاء الله الاهی و توجه ایشان به جهت خلاصی اولیاء علیهم بهاء الله و عنایت مرقوم داشتند بعد از عرض این فقره تلقاء وجه امنع اقدس ملکوت بیان باین کلمات عالیات ناطق قوله جلّ و عزّ طوبی از برای الف و حا علیه بهائی چه که در فکر خلاصی اولیای حق بوده و هستند. ینبغی له ان یکون کذلک انا اخترناه واصطفیناه لخدمه امری المبرم المتین. ولكن چندی سکوت اولی. انتی این عبد عرض می نماید وعده دادن زخارف به جهت خلاصی مسجونین در این ایام جایزه در دو وقت دو کلمه از لسان عظمت این خادم فانی استماع نمود. یومی از ایام فرمودند یا عبد حاضر حزب الله الیوم باید به این آیه مبارکه که از قبل بر خاتم انبیاء روح ماسوا فداه نازل شده ذاکر باشند قوله تعالی ربّ افرج علینا صبراً و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین. از این کلمه مبارکه مستفاد می شود که صبر تلقاء عرش مقبول و محبوبست و همچنین یومی از ایام فرمودند ان الظالم یتنصر علینا بالمدافع و البنادق و الجنود ونحن نستنصر علیه بالقویّ الغالب المقتدر القدير. وبعد این دو فقره مکرر در الواح نازل انه یعلم ما اراده عما نطق به لسان عظمت. و اینکه از نعاق ناعقین مرقوم داشتند هذما اخبرنا به القلم الاعلی اذجال فی مضمار البیان فی الزوراء سبحان الله نفوسی که از امر بالمره غافل و بی اطلاع گفته اند آنچه را که هیچ مشرکی نگفته اعذنا الله و حضرتکم من شرّ هؤلاء. مدتها در جمع آوری آیات الواح و کتب بدیع منیع مشغول بوده اند و قصدشان معلوم و واضحست. لذا جائز نیست از بعد آثار بدیع به آن نفوس داده شود. این عبد در این ایام چند ورقی در بعضی از مطالب نوشته و چون حامل و حاوی آیات الهی و زیاراتیست که در این ایام مخصوص شهدا نازل شده ارسال می شود. آن حضرت ملاحظه فرمایند و بعد نزد جناب میرزا ل علیه بهاء الله ارسال نمایند. اگر در حضور بر مشرکین القا شود بآسی نبوده و نیست و لکن دادن نسخه ابداً جایز نه چه که در آیات الهی به الحاد مشغولند صغر حدّهم و شأنهم و کبرت اقوالهم. آیا آفتاب را نمی بینند و امواج بحر را مشاهده نمی کنند. اگر این ندا و این صیحه و این نباء اعظم را انکار نمایند بچه حبلی متمسک و بچه امری مستدلّ. اوراقی که نوشته و خدمت آن حضرت فرستاده از آن اوراق مقامش معلوم و و نیتش مشهود و این خادم فانی چون آن اوراق را دیده لازم دانست که لوجه الله ذکر نماید آنچه را که مطالع انصاف و مظاهر عدل مشاهده نمایند و اغنام الهی را از ذئاب ارض حفظ فرمایند. و دیگر استدعا و عرض این خادم فانی آنکه خدمت آقایان عظام افنان سدره علیهم من کل بهاء ابهاه تکبیر و سلام ابلاغ فرمایند و این مرحمتی است از آن حضرت نسبت به این فانی. البهاء الظاهر الالّٰح المشرق من افق عنایة ربنا و ربکم علی حضرتکم و علی من یحبکم لوجه الله رب العالمین.

خ ا د م فی ۱۵ شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۰۱